

نماید والا پس از آنکه در عالم دوستی پیش از وقت قضا رای عزم آرارا بآن خدیو مشتری سعادت اعلام کردیم بعنایت الهی وارد آن حدود و برادرانه در آن سر زمین طی گفتگو خواهیم نمود



محفل بزم شاد

در حیدرآباد دکن هندوستان بمساعی جمیله حضرت اشرف (مهرا جہ کش پیر - شاد) صدر اعظم سلطنت علیہ دکن انجمنی بنام (محفل بزم شاد) قریب دو سال است تشکیل شده

مکان انجمن در خانه شخصی صدر اعظم و ایام تشکیل روز های جمعه میباشد صدر اعظم مزبور طرفدار جدی زبان و شعر فارسی در هندوستان است : شعرای فارسی زبان و دانشمندان دکن در این انجمن عضویت دارند . ویکی از اعضای انجمن آقای آقاسید محمد علی داعی الاسلام پروفیسور نظام کالج دکن میباشد . در این اواخر یک غزل نگارنده که در ارمغان درج است با این مطلع

مه بگرد رخت ای مہر فروزان نرسد
گر بر رخ گرت از آرایش دوران نرسد

منظور فضالی هندوستان واقع و در همان انجمن مطرح و استقبال شده است اینک یک غزل از حضرت داعی الاسلام که زود تر رسیده درج و پس از این همواره آثار گرانہای آن انجمن زیب صفحات ارمغان خواهد شد

وجه تسمیہ انجمن بمحفل (بزم شاد) اینست کہ صدر اعظم مشارالیه کہ خود شاعری کرانمایہ است (شاد) تخلص میکنند

* (غزل) *

بدل افروزی روی تو گلستان نرسد
 آب دندان تو از لؤلؤ عمان بگذشت
 راه ظلمات چوزلفین تو طولانی نیست
 دامنش در کف من بود که رفتم از خویش
 روز او گرچه سیاه است چومویت لیکن
 تاچه باشد خط تقدیر دعایم این است
 غم عشق است که دل را بفنا بردوبماند
 صاف و هموار بود راه محبت لیکن
 شاه را حظ کدایان در میکده نیست
 قطره ها جمع شد از اشکم و شد سیل عظیم
 دل بحق بسته نترسیم ز شیطان صفتان
 به حسودان من ایقدر شناسان گوئید
 من رسیدم بدعانت ز چه رو میگوبند.

به درخشنده لب لب لعل بدخشان نرسد
 به گلستان رخت روضه رضوان نرسد
 چشمه خضر بدان چاه زنخدان نرسد
 عشق دردی است که از وصل بدرمان نرسد
 دل آشفته بدان زلف پریشان نرسد
 که برخسار مهت آفت دوران نرسد
 ورنه در دهر غمی کو که بپایان نرسد
 کس بسر منزل این بادیه آسان نرسد
 رتبه فقر بلند است بسلطان نرسد
 آخر این سیل خروشنده بطوفان نرسد؟
 اهرمن گرچه قوی هست به یزدان نرسد
 صعوه شاهین نشود قطره بعمان نرسد
 جز خضر کس بلب چشمه حیوان نرسد

باخبر کی شود ایران ز سخندانان هند

(داعیا) گر غزل شاد بطهران نرسد

(داعی الاسلام)

